

روسیه با چشم مراقبی به افغانستان می نگرد

نویسنده: بهادر کمار

منبع: اندین پنج لاین

مترجم: رسول رحیم

دیدار سریع اما علی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان و الماس بیک آتم بایوف رئیس جمهور قرغزستان از مسکو و ملاقات جداگانه روز چهارشنبه آن ها با رئیس جمهور ولادیمیر پوتین روی اهمیت انکشافات در شمال افغانستان تاکید می نماید که زنگ خطر را در استوپه های آسیای مرکزی به صدا در آمده است. تاجیکستان با یک مرز مشترک 1200 کیلو متری با افغانستان یک کشور خط مقدم جبهه را تشکیل می دهد، در حالی که قرغزستان در آسیای میانه مرکز نیروهای سازمان معاهده امنیت دستجمعی به رهبری روسیه می باشد.

در اعلامیه کرملین گفته می شود که رحمان گفته است: «من می خواهم تا مسائل امنیتی در ساحه زیر مسئولیت سازمان معاهده امنیت دستجمعی را مورد مذاکره قرار دهم، زیرا مرز تاجیکستان و افغانستان متعلق به این ساحه می باشد. هر روز اوضاع افغانستان خراب تر می گردد. این خصومت ها در بیش از 60 در صد این مرز اتفاق می افتند. این امر بسیار مخاطره آمیز است. من به طور خاص می خواهم موضوعات مربوط به تامین امنیت در منطقه را مطرح کنم». پوتین خودش گفت: «اوضاع در منطقه چیز دیگری جز مایه نگرانی بوده نمی تواند».

از چشم انداز روسیه، بخش خوب اوضاع در منطقه در قرغزستان است که در همین تازگی در آنجا انتخابات پارلمانی صورت گرفته است. این انتخابات در تاریخ منطقه منصفانه ترین و نهایت شفاف خوانده شده است و احزاب منتخب جانبدار روسیه حکومت آینده را تشکیل می دهند. ایالات متحده امریکا از پایگاه نظامی هوایی ماناس بیرون رانده شده و این پایگاه سر از آغاز 2017 برای پانزده سال به اردوی روسیه اجاره داده شده است. کافی است تا گفته شود که قرغزستان اکنون دیگر یک اتاقل طرح توطئه در اختیار ایالات متحده امریکا نیست تا حضور روسیه را در آسیای میانه تضعیف کند. این بزرگترین خطرات استراتژیک را در زمانی داشت که روسیه نمی توانست از عهده درماندگی ها در "بازی بزرگ" بر آید و نیاز به شرکای محلی قابل اعتماد داشت تا به تحکیم پاسخ هایش در مقابل آن چالش های امنیتی کمک کنند که از افغانستان نشأت می کردند.

انکشافات در شهر شمالی قندوز در افغانستان علامت آنست که این منطقه چالش عظیم امنیتی را در طی زمانی که در پیشرو است، باید مهار کند. مطلب بر سر آنست که یک نوار ارضی بزرگ در شمال افغانستان بی ثبات شده است که مرزهای تاجیکستان، ازبیکستان و ترکمنستان را در ولایت های فاریاب، بادغیس و جوزجان در شمال غرب و بغلان، قندوز، تخار و بدخشان را در شمال شرق، در بر می گیرد. تغییرات زیادی در

منطقه به وجود آمده اند و ظرفیت نیروهای حکومت افغانستان و گروه های ملیشه مؤتلف با آن برای عقب راندن آنچه اتفاق افتاده است و به منظور تامین دست برتر، اکنون به نظر می رسد قابل تردید باشد.

در حقیقت یک گزارش اخیر بی بی سی، اوضاع در شمال افغانستان را با منطقه وزیرستان در مرز بین پاکستان و افغانستان مقایسه کرد. حقا که شباهت های شان قابل توجه اند. درست مانند وزیرستان، گروه های پیکار جوی آسیای مرکزی با کارتل های مواد مخدر و طالبان ارتباط دارند. شمار بیشتر جنگجویان آسیای میانه ابراز بیعت به "دولت اسلامی" یا داعش کرده اند. واضح است که آن ها آرزوی برگشت عنیف به آسیای مرکزی را از پناهگاه های شان در شمال افغانستان دارند.

بدون تردید ظاهر شدن ناگهانی رشید دوستم معاون اول رئیس جمهور افغانستان در روسیه می تواند بر زمینه این همایش توفان ها، مورد ارزیابی قرار گیرد. دوستم برای یک بازدید رسمی هفته گذشته به مسکو سفر کرد و از آن جا وی به سفرش به چین ادامه داد تا با رمضان قدیر اوف مرد قدرتمند در گروسی در 5 اکتوبر ملاقات کند. گزارش ها حاکی از آن اند که وی در مسکو با « مقامات ارشد امنیتی روسیه » گفت وگو کرده و « خواهان سلاح های ثقیل و هلیکوپترهای توپدار » برای نیروهای های مسلح افغانستان شده است. سلطان فیضی سخنگوی دوستم گفت: « جانب روسیه متعهد است که به افغانستان در قسمت کمک به نیروهای هوایی و نظامی معاونت و حمایت نماید. ما حمایت هوایی، اسلحه و مهمات نداریم ».

جای تعجب نیست که مذاکرات دوستم با قدیراوف روی برنامه "دولت اسلامی" یا داعش جهت تبدیل افغانستان به یک "رأس جسر" (یعنی پایگاه سوق الجیشی جهت اعزام مرد و مال از آنجا به مناطق دشمن) متمرکز بوده باشد، چنانکه از دوستم نقل قول شده است که گفته است: « هم رمضان قدیر اوف و هم من مبارزه علیه تروریسم بین المللی را به راه انداخته ایم. در این ساحه ما می توانیم یک ائتلاف اساسی به وجود آوریم. ما می توانیم از همدیگر بیاموزیم. تا اکنون کدام پروژه مشخص برای همکاری نداریم، اما این به معنای آن نیست که چنین چیزی در آینده نخواهد بود ». در حقیقت مسکو دوستم را به تماس قدیر اوف قرار داده است که یکی از پیکار جویان قدیمی و سرسخت جنگ بی رحمانه علیه گروه های اسلامگرای تندروی می باشد که در قفقاز شمالی دست به عملیات می زنند.

البته دوستم خودش اساساً در سال های هشتاد در اکادمی نظامی مسکو در شوروی آموزش دیده است. اما در سال های بعدی او میل به کار کردن برای کشورهای مانند ازبیکستان، پاکستان، ترکیه و ایالات متحده امریکا نشان داد. با اینهم فکر می شود که ارتباط وی با استخبارات روسیه، هیچگاه کاملاً از بین نرفته است و در شرایط کنونی به خصوص هنگامی که طالبان اخیراً جوزجان، پایگاه قدرت خودش، را مورد حمله قرار دادند و یک سوء قصد ناکام برای کشتن وی صورت گرفت، بین وی و میزبان روسی اش یک تقارن منافع وجود دارد.

دشوار است تا اظهار داشت که آیا رئیس جمهور اشرف غنی که از واشنگتن الهام می گیرد و به آنچه که از جانب امریکایی ها دیکته می شود گردن می گذارد، این سفر و ماموریت دوستم را به مسکو و گروسی تصویب کرده است. غیر قابل درک است که واشنگتن اتحاد بین دوستم و قدیراوف را دوستانه تلقی کند. اما با اینهم، در هم و برهمی در درون حکومت وحدت ملی افغانستان با مراکز قدرت متعدد اش که مستقلانه دست به عمل می زنند، دیگر کدام راز بزرگ نیست.

مسئله عمده در اینجا آنست که ایالات متحده امریکا اردوی افغانستان را به تسمه محکمی بسته است و روی نقش صرفاً سرباز پیاده نظام آن تاکید می کند. اردوی افغانستان تقریباً کاملاً وابسته به پوشش هوایی ایالات متحده امریکا می باشد. آنچه روسیه می تواند انجام دهد همانا تحکیم ظرفیت های نیروهای افغانستان از طریق تهیه اسلحه و هلیکوپترها می باشد. اما مطمئناً چنین نقش روسیه به معنای رنجه کردن ایالات متحده امریکا (وناتو) است. افغان ها به سهم خود شان از چنین نقش روسیه که آن ها را با منابع بزرگتر برای پرداختن به تهدید های امنیتی شان توانا گرداند، استقبال خواهند کرد. یک هیئت پارلمانی افغانستان که در 6 اکتوبر از مسکو دیدار کرد، درحقیقت «کاملاً از اقدامات روسیه در سوریه حمایت کرد» و از روسیه تقاضا نمود تا همکاری های نظامی و فنی مشابه را برای افغانستان فراهم گرداند.

ایگور موروزوف یک نماینده قدرت مند پارلمان روسیه که با آن ها ملاقات کرده بود، بعد تر گفت: «امروز هیئت افغانستان تقاضای کمک و حمایت از روسیه برای تجهیزات نظامی، مهمات، هلیکوپترها نمود و تاکید کردند که هرگاه اردوی افغانستان هلیکوپتر می داشت، تروریست ها در قندوز موفق نمی شدند». اما از قضا مسکو یک برنامه دو جانبه با کابل برای آموزش دادن به پیلوت ها و تجهیز نیروهای مسلح با هلیکوپترها، پرزه ها و مهمات دارد. اما واشنگتن مانند یک تَن خشت پخته برکابل فرود آمد و این برنامه پایان یافت.

در چنین لحظه ای است که نیت واقعی ایالات متحده امریکا در جنگ افغانستان مشکوک به نظر می رسد. دستور العمل مخفی وی قصد آن دارد که افغانستان را بی ثبات نگه دارد تا بتواند حضور دراز مدت نیروهای امریکایی و ناتو را توجیه کند، البته بدون آنکه چنان "ماموریت جنگی" را بردوش گیرد که منجر به تلفات جنگی گردد.

حامد کرزی رئیس جمهور پیشین افغانستان فقط همین چند ماه پیش هنگام دیدارش از مسکو پیشاپیش هشدار داد که "دولت اسلامی" یا داعش یک نایب امریکایی است که برای بی ثبات گرداندن مناطق همسایه برای اهداف جیوپولتیکی مورد استفاده قرای می گیرد. انکشافات در قندوز گویای این امر است. گزارش ها دلالت به آن می کنند که جنگجویان داعش در عملیات طالبان در ولایات شمالی افغانستان فعال بوده اند.

روبهم رفته ، تصمیم پوتین برای مذاکرات عاجل با رحمان و حاتم بایف و پیش از آن دیدار دوستم از روسیه بدون تردید بیانگر آنست که در جبهه امنیتی منطقه یک نقطه تعیین کننده جدید به وجود آمده است. مسکو دلایل کافی دارد که مراقب احتمال زیاد آن باشد که آن قدرت های خارجی، به خصوص عربستان سعودی و قطر، که داعش را

پرورش داده اند و مخالف مداخله روسیه در سوریه می باشند، شاید فکر کنند که فرصت مناسب آن فرا رسیده است تا ضربتی به شکم نرم روسیه در آسیای مرکزی بزنند. واضحاً این امر ایجاب آن را می کند که مسکو از یک سو چشم آزموده اش را مراقب خطر داعش از طریق افغانستان گرداند و در عین زمان فکرش را متمرکز به انکشافات در سوریه سازد.